



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.4, No.2, Issue 14, Summer 2025, P: 103-124

Receive Date: 2024/11/14**Revise Date:** 2025/02/06**Accept Date:** 2025/02/11**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.71654/jcl.d.2025.1212626

Evaluating the Effectiveness of Iran's Criminal Policy in Managing the Protection of National Lands from the Perspective of Green Criminology (Challenges and Solutions)

Mahshid Nazari¹Abbas Sheikholeslami²Zahra Ahmadi³

Abstract

The increasing destructive processes against national lands necessitate continuous evaluation and monitoring of environmental policymaking and the allocation of an appropriate criminal policy. This study adopts a descriptive-analytical approach to assess legislative, judicial, executive, and participatory criminal policies in the field of national lands. First, the legislator's performance in the law-making process and its compliance with criminalization criteria are examined. The next step, in judicial criminal policy, highlights the need to address procedural shortcomings, such as establishing a specialized authority for handling these crimes, ensuring expedited proceedings, reviewing methods for detecting and proving such offenses, facilitating interaction between the judiciary and non-judicial institutions provided for in various laws, and defining clear sentencing guidelines. Drawing on insights from critical environmental criminology, this article concludes that society often does not perceive itself as a direct victim of crimes against national lands and does not experience significant social fear in this regard. Moreover, the inadequate performance of the criminal justice system in dealing with both minor and major offenses in this domain has played a significant role in creating a safe haven for environmental offenders. Given the multifaceted factors influencing crimes against national lands, this article, in light of green criminology, identifies crime-generating factors in each domain separately, proposes appropriate measures for each category, and integrates these measures to present a practical and effective approach to reducing crimes against national lands.

Keywords: Criminal Policy Evaluation, National Land Protection Management, Green Criminology.

1. Department of Criminal Law and Criminology, Mahd.C, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. mahshid.nazari.law@gmail.com

2. Department of Criminal Law and Criminology, Mahd.C, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author). Sheikholeslami@mshdiau.ac.ir

3. Department of Criminal Law and Criminology, Mahd.C, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. zahmadi1000@gmail.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزا

سال چهارم - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۴ - تابستان ۱۴۰۴، ص ۱۲۴-۱۰۳	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
DOI: 10.71654/jcld.2025.1212626	شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱	نوع مقاله: پژوهشی	

ارزیابی کارآمدی سیاست جنایی ایران در مدیریت حفاظت از اراضی ملی از منظر

جرم شناسی سبز (چالش‌ها و راهکارها)

مهشید نظری^۱
عباس شیخ‌الاسلامی^۲
زهراء احمدی^۳

چکیده

گسترش فرآیندهای مخرب علیه اراضی ملی، ضرورت پایش مستمر سیاست‌گذاری زیست محیطی و اتخاذ سیاست جنایی مناسب را ایجاب می‌کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی، سیاست جنایی قانونگذاری، قضایی، اجرایی و مشارکتی را در حوزه اراضی ملی، ارزیابی می‌کند. ابتداء، عملکرد قانونگذار، در مرحله تدوین قوانین و میزان انطباق آن با معیارهای جرم انگاری بررسی می‌شود و پس از آن، در سویه سیاست جنایی قضایی، اصلاح نارسایی‌های دادرسی، از جمله ایجاد مرجع تخصصی برای رسیدگی به این جرائم، تسریع در روند دادرسی، بازنگری در روش‌های کشف و اثبات جرم، تسهیل تعامل میان دستگاه قضایی و نهادهای غیرقضایی و تعیین خطوط راهنمای مجازات، به طور ویژه، مورد توجه قرار می‌گیرد. این مقاله، با بهره‌گیری از دستاوردهای جرم‌شناسی انتقادی زیست محیطی، نشان می‌دهد: جامعه، اغلب، خود را قربانی مستقیم جرائم علیه اراضی ملی نمی‌داند و در نتیجه، هراس اجتماعی محسوس در این زمینه وجود ندارد. همچنین، عملکرد ضعیف نظام عدالت کیفری در مقابله با بزهکاری‌های خرد و کلان زیست محیطی، به ایجاد فضایی امن برای مجرمان این حوزه منجر شده است. با توجه به عوامل گوناگون مؤثر در ارتکاب جرائم علیه اراضی ملی، این پژوهش در پرتو جرم‌شناسی سبز، با شناسایی جداگانه عوامل جرم‌زا در هر حوزه، ارائه تدابیر متناسب برای هر دسته از این عوامل، و ترکیب آنها، به یک رویکرد عملی و مؤثر در کاهش این جرائم دست یافته است.

واژگان کلیدی: ارزیابی سیاست جنایی، مدیریت حفاظت از اراضی ملی، جرم‌شناسی سبز.

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mahshid.nazari.law@gmail.com

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). Shakholeslami@mshdiau.ac.ir

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. z.ahmadi1000@gmail.com

تحولات اخیر در حوزه بزه دیده شناسی، با عبور از نگاه سنتی مبتنی بر آسیب مادی محسوس به انسان‌ها، به سمت بزه دیده شناسی سبز و توجه به حقوق نسل‌های آینده و حق‌مداری سایر موجودات زنده حرکت کرده است. این تغییر رویکرد، زمینه‌ای مناسب برای تدوین سیاست جنایی افتراقی، قبال اراضی و منابع ملی، فراهم می‌آورد. در اندیشه اسلامی و فقه امامیه، مبانی و قواعدی برای حمایت از محیط زیست سالم و انفال عمومی وجود دارد که می‌توانند به شکل‌گیری یک سیاست جنایی مطلوب در این حوزه کمک کنند.

جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی، مطابق قانون ملی شدن جنگل‌ها، مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۲۷، اراضی ملی و جزئی از اموال عمومی شناخته شده‌اند. این قانون، مالکیت دولت بر این اراضی را تثبیت کرده است؛ حتی اگر پیش از این تاریخ، افراد بر آن‌ها تصرف داشته و سند مالکیت دریافت کرده باشند.

مفهوم اراضی ملی، با دلالت بر مالکیت عمومی، دارای دو جنبه اقتصادی و زیست محیطی است که هر دو نیازمند پژوهشی جامع و عمیق برای ارزیابی چالش‌های حفاظت و حمایت قانونی از این منابع ارزشمند هستند.

بر اساس اصول عدالت زیست محیطی و عدالت اکولوژیکی، اراضی ملی، عناصر کلیدی اکوسیستم‌های طبیعی، نقشی حیاتی در حفظ تعادل محیط زیست و تأمین منابع نسل‌های آینده دارند؛ با این حال، این اراضی، همواره در معرض تهدیدهای سودجویانه و تجاوزهای سازمان یافته بوده‌اند.

۱. ضرورت سیاست جنایی کارآمد برای حمایت از اراضی ملی

احساس نیاز به حمایت حاکمیتی از اراضی ملی، موجب شد که سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه، از ماهیت اولیه خود که عمدتاً اداری و مدنی بود، به سمت استفاده از ابزارهای حقوق کیفری متمایل شود. در نتیجه، ظرفیتی برای ایجاد سیاست کیفری، به‌عنوان مجموعه‌ای از تدابیر فهرآمیز و نظارتی در چهار چوب نظام عدالت کیفری در قبال تصرفات غیرقانونی و تجاوز به اراضی ملی ایجاد شد.

تفکر غالب در برخورد با جرائم تصرف و تجاوز به اراضی ملی، بر کارآمدی نظام رسمی عدالت کیفری تأکید دارد؛ زیرا دولت، متولی حفاظت از این اموال عمومی، دارای ابزارهای قانونی و اجرایی کافی برای برخورد با متخلفان فرض می‌شود؛ با این حال، بسیاری از مرتکبان این جرائم، اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی هستند و بزه دیدگان این تخلفات، عموم مردم و جامعه محسوب می‌شوند.

نفوذ و جایگاه این گروه از متخلفان در ساختار قدرت، موجب شده است که جرم‌انگاری تخلفات کلان زیست محیطی با موانع جدی مواجه شود؛ حتی در مواردی که این جرائم در قوانین پیش‌بینی شده‌اند، از واژگان مبهم و چند پهلو برای جرم‌انگاری آن‌ها استفاده شده که زمینه تفسیرهای موسع و

تسامح در برخورد کیفری را فراهم کرده است. عدالت کیفری نیز در مواجهه با این دسته از مجرمان، غالباً، رویکردی نرمگیرانه و کم اثر اتخاذ کرده است.

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این سؤالات است: مدل و مهمترین راهبردهای سیاست جنایی ایران برای حمایت از اراضی ملی چیست؟ چه ساز و کارها و راهکارهایی برای ارتقای سیاست جنایی در این حوزه وجود دارد؟ سیاست جنایی ایران، قبال اراضی ملی، با چه آسیب‌هایی مواجه است؟ بر اساس بررسی‌های اولیه، این پژوهش بر سه فرضیه اصلی استوار است: سیاست جنایی ایران، قبال حمایت از اراضی ملی، مبتنی بر الگوی اقتدارگرایی، محدودیت دسترسی به اطلاعات، تمرکز بر نظام حقوق اداری و استفاده محدود از حقوق کیفری است. مهمترین راهبردها برای ارتقای سیاست جنایی حمایتی از اراضی ملی، اتخاذ سیاست جنایی افتراقی و تنوع بخشی به سیاست‌گذاری کیفری بر اساس متغیرهای موضوعی، بزهکاران و بزه‌دیدگان است.

مهمترین آسیب‌های سیاست جنایی ایران در این حوزه، فقدان یک شبکه جامع و منسجم سیاست جنایی، نیاز به بازنگری در نظام جرم‌انگاری، ضعف در تنوع ضمانت‌اجراءها، عدم استفاده مؤثر از سازمان‌های مردم‌نهاد، نبود پلیس تخصصی منابع ملی، عدم بروز رسانی ساز و کارهای احراز وقوع جرم، عدم تعامل مداخله کیفری با ساز و کارهای اجرایی و اداری مورد نیاز می‌باشد.

مرور مطالعات انجام شده در حوزه حقوق کیفری اراضی ملی و جرائم زیست محیطی، نشان می‌دهد: تحقیقات متعددی به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. احمد شمس، در کتاب: نظام حقوقی اراضی ملی شده، به طور محدود به موضوع مسئولیت کیفری در زمینه منابع طبیعی پرداخته است.

مطالعات معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه که در آن به تجزیه و تحلیل محتوای جرائم علیه اراضی ملی در ایران، تصاحب غیرقانونی زمین‌های ملی و دولتی و تخلفات ثبتی پرداخته شده است. محسن عبداللهی و همکاران، در کتاب: حقوق کیفری محیط زیست، به بررسی ضرورت‌ها و ملاحظات جرم‌انگاری جرائم زیست محیطی در حقوق ایران پرداخته‌اند.

سجودی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان: واکاوی سیاست کیفری تقنینی ایران در برابر جرائم تجاوز به اراضی ملی، جنبش‌های سیاست کیفری را در این حوزه مورد بررسی قرار داده‌اند.

پژوهش جمال بیگی و مهدی داداشی چکان (۱۳۹۶)، با عنوان: پیشگیری وضعی از جرائم زیست محیطی در ایران و اسناد بین‌المللی، به تأثیر سیاست جنایی قضایی و مشارکتی در پیشگیری از این جرائم پرداخته است.

پژوهش حسن موثقی، به بررسی ضرورت تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست برای مقابله با تخلفات زیست محیطی در سطح بین‌المللی پرداخته است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد: پژوهش‌های گذشته، عمدتاً، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، به ابعاد مختلف سیاست کیفری در حوزه محیط زیست پرداخته‌اند، با این حال، پژوهش حاضر، بر ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع تمرکز دارد.

خلاف تحقیقات پیشین که عمدتاً به تحلیل ارکان و عناصر جرائم علیه اراضی ملی پرداخته‌اند، این پژوهش به ارزیابی میزان کارآمدی قوانین حاکم بر اراضی ملی در صیانت از این منابع پرداخته و راهکارهایی برای اصلاح و بهینه سازی این قوانین ارائه می‌دهد.

در مجموع، پژوهش حاضر با بررسی چالش‌های سیاست جنایی ایران در قبال حمایت از اراضی ملی، تلاش می‌کند تا با اتکاء بر آموزه‌های جرم‌شناسی سبز، آسیب‌های موجود را شناسایی کرده و راهکارهای عملی برای ارتقای این سیاست‌ها ارائه دهد. با توجه به اهمیت اراضی ملی که بخشی از ثروت‌های عمومی و منابع حیاتی اکوسیستم‌های طبیعی است، اتخاذ سیاست جنایی کارآمد و هماهنگ، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۲. علت شناسی جرایم علیه اراضی ملی از منظر جرم‌شناسی سبز

پژوهش‌های نوظهور اندیشمندان در حوزه محیط زیست، ذیل عنوانی نو، به نام: جرم‌شناسی سبز، انجام پذیرفته است (رضاپور پرشکوهی، ۱۴۰۱، ۵۴۸). سیر تحول تاریخی این شاخه از جرم‌شناسی از اصطلاح جرایم یقه سفید تا اصطلاح جرم سبز، جرم‌شناسی سبز تا جرم‌شناسی زیست محیطی و تمایز دو حوزه جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی اکوانتقادی، حاکی از نگاه‌های علت‌شناسانه متفاوت جرم‌شناسان به این شاخه نوظهور از جرم‌شناسی می‌باشد (گرچی فرد، ۱۳۹۵، ۳۷).

در همین راستا، می‌توان از منظر خواستگاه اصلی جرم‌شناسی سبز که همان جرم‌شناسی انتقادی می‌باشد، دلایل تحولات جرم‌شناسی سبز را در گذر عمر کوتاهش نظاره کرد؛ چرا که هر گونه علت‌یابی بزهکاری زیست محیطی در حوزه اراضی ملی، قسمی از جرائم و آسیب‌های زیست محیطی است که بدون توجه به مبانی نظری جرم‌شناسی انتقادی به کفایت لازم نخواهد رسید.

۲-۱. محدودیت قلمرو جرم‌انگاری سنتی برابر مخاطرات زیست محیطی

رویکرد سنتی به رشد و توسعه اقتصادی همراه با پدیده‌هایی چون صنعتی شدن، شهرنشینی، رشد فزاینده جمعیت، امپراطوری سرمایه و سرمایه داری و متعاقب همه این تغییرات، وقوع بحران‌های زیست محیطی که منجر به جریان‌های اعتراض آمیز جنبش‌های سبز (جنبش‌های حفاظت از محیط زیست) از یک سو و تحت تأثیر تفکرات انتقادی جرم‌شناسی مارکسیستی و جرم‌شناسی رادیکال از سوی دیگر، سبب تولد یک رشته مطالعاتی نو در جرم‌شناسی انتقادی، توسط مایکل لینچ در دهه ۱۹۹۰ گردید.

مایکل لینچ، در مقاله خود با عنوان: سبز کردن جرم‌شناسی، به معرفی جرم‌شناسی سبز و ریشه‌های اقتصادی و سیاسی جرایم و بی‌عدالتی‌های زیست محیطی پرداخت (عباچی، ۱۳۹۲، ۷۹۴). جرایم

زیست محیطی از این منظر هر فعل و ترک فعلی است که به محیط زیست و اجزا و عناصر ذاتی طبیعت آسیب وارد کند، اعم از اینکه این رفتارها در نظام عدالت کیفری، جرم انگاری شده باشد یا نه و اعم از اینکه این رفتارها از طرف اشخاص حقیقی و یا حقوقی (شرکت‌ها و دولت‌ها) ارتکاب یافته باشد. این قلمرو مطالعاتی، با تکیه بر ضررهای زیست محیطی، به دنبال ارتقای آسیب‌ها، قوانین و ضابطه‌های زیست محیطی است.

از دیدگاه این جرم‌شناسی، عمده جرایم و رفتارهای کلان و ناپایدار زیست محیطی را، خود دولت‌ها مرتکب می‌شوند. با توجه به اینکه خود آن‌ها متولی اصلی سیاست جنایی هستند، لذا رفتارهای ناپایدار زیست محیطی خود را جرم انگاری نمی‌کنند. تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران، خود گویای این امر است. قانونگذار در این تبصره، اشخاص دولتی و عمومی غیردولتی را در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، از شمول مقررات ماده ۲۰ مستثنی کرده است.

توجه به این رویکردها در قلمرو عدالت کیفری، نشان می‌دهد که صرف رویکرد سنتی جرم انگاری در حمایت از اراضی ملی و تقید صرف به اصل قانونمندی، موجب مباح تلقی شدن رفتارهای ناشایست دولت‌ها و شرکت‌ها در عرصه محیط زیست می‌شود؛ در نتیجه، رویکرد انتقادی با توسعه مفاهیم مربوط به جرم زیست محیطی، نگاه جامع‌تری در خصوص تعریف جرم زیست محیطی ارائه می‌دهد (علینژاد و دیگران، ۱۴۰۱، ۳۰۰۲). طبق این دیدگاه، بسیاری از آسیب‌های زیست محیطی که توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های قدرت ارتکاب می‌یابند و در قانون ذکر نشده‌اند نیز جرم هستند (وایت، ۱۳۹۵، ۳۲).

۲-۲. خلاء قانونی در حمایت از بزه دیدگان سبز

سیانت از حقوق اشخاص، طبیعت و نسل‌های آینده در مقابل جرایم سبز، از طریق به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان قربانی جرم، میسر خواهد بود (صیفی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۴۲). موضوعی که تا چند دهه پیش جرم‌شناسی و بزه دیده‌شناسی از آن غافل بوده‌اند (شاملو و دیگران، ۱۳۹۵، ۳۲)؛ بنابر این، باید نوع نگاه خود را تغییر داده و طبیعت را در کنار انسان، بزه دیده مستقل و دارای ارزش ذاتی مستقل و دارای اعتبار شناخت.

قانون، سنجه‌ای است که بر پایه آن می‌توان، بزه دیدگان سبز را شناسایی کرد؛ اما چالش مهم این سنجه آن است که از منظر بزه دیده‌شناسان سبز، قانون عمدتاً، حامی منافع قدرتمندان است، یا اینکه جرایم زیست محیطی را دولت‌ها انجام می‌دهند؛ از این رو، تمامی رفتارهای آسیب‌رسان به محیط زیست در پناه قانون قرار نگرفته و جرم انگاری نمی‌شوند؛ هرچند نظام حقوقی ایران متأثر از رویکرد طبیعت‌محور، هر دو دسته بزه دیدگان سبز اعم از جاندار و بی‌جان را بزه‌دیده سبز انگاشته است، اما چالش‌های فراوانی در حمایت از آن‌ها در مقررات وجود دارد.

۳. علت شناسی جرایم علیه اراضی ملی در پرتو نظام سیاست جنایی ایران

وضعیت محیط زیست یک کشور، برآیندی از تاثیرگذاری تصمیمات و تعاملات دولت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، سازمانهای مردم نهاد زیست‌محیطی، توده‌های مردم و مجامع علمی می‌باشد. روند حاکم بر اقتصاد سیاسی ایران، سبب شده است که در رتبه بندی زیست محیطی، مجمع جهانی اقتصاد با مطالعه ۷۲ شاخص از سوی دانشگاه کلمبیا و ییل که در سال ۲۰۰۵ انجام پذیرفت، ایران، در میان ۱۶۶ کشور مورد مطالعه، رتبه ۱۳۲ و از ۱۰۰ امتیاز، نمره ۳۲ را کسب نمود و در کنار کره شمالی در پایین‌ترین رده بندی قرار گرفت (غلامپور، ۱۳۸۶، ۸۹).

نگاهی به رویه‌ها و آراء محاکم نشان می‌دهد: چنانچه جامعه خطر بزه دیدگی را احساس کند، غالباً، برای احقاق حق خود، تلاش می‌کند؛ اما در حوزه جرایم زیست‌محیطی، بزهکاری، شکل و ابعاد متفاوتی دارد. با توجه به قرار داشتن کشور ما در کمربند خشکسالی و وجود فجایع بی شمار جنگل زدایی، بیابان زایی و تصرفات و تجاوزات غیر قانونی، در این قسمت، باید دریافت: آیا بین عدم هراس اخلاقی نسبت به فجایع زیست محیطی و فقدان سیاست جنایی کارآمد رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا عدالت زیست محیطی بازبچه مصونیت قضایی و ضعف سیستم قضایی شده است؟ آیا بین فقدان ضمانت اجراهای معتبر حقوقی و عدم فعالیت و نقش آفرینی گروه‌های ذی‌نفع زیست محیطی ارتباطی وجود دارد؟

۳-۱. فقدان سیاست کارآمد قانونگذاری قبال جرائم علیه اراضی

سیاست جنایی قانونگذاری را نه تنها باید نخستین لایه سیاست جنایی، محسوب کرد، بلکه باید آن را هسته اصلی سیاست جنایی (لازرژ، ۱۳۸۲، ۹۵) و تعیین کننده نوع پاسخ، قبال پدیده‌های مجرمانه تصور کرد.

امروزه، حفاظت از محیط زیست و منابع ملی، به ارزشی بنیادین در ابعاد اخلاقی، اجتماعی و حقوقی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که جرم‌انگاری تخریب این منابع و اعمال ضمانت اجراهای کارآمد، ضرورتی انکارناپذیر است.

با این حال، بررسی نظام قانونگذاری ایران نشان می‌دهد: چهار چوب‌های حقوقی موجود در زمینه حفاظت از اراضی ملی، دارای خلأها و کاستی‌های متعددی است؛ برخی از مهمترین مشکلات قانونگذاری در این حوزه، کافی نبودن ضمانت اجراهای مدنی و اداری در برخورد با متخلفان، عدم تناسب میان جرم و مجازات در قوانین کیفری، نبود ساز و کارهای نظارتی و اجرایی مؤثر برای جلوگیری از سوء استفاده از اراضی ملی، عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به ویژه نهادهای دولتی و عمومی، قبال تخلفات زیست محیطی است (عبداللهی، ۱۳۸۶، ۹۷).

۳-۱-۱. ناکارآمدی قوانین زیست محیطی در برنامه‌های توسعه

با بررسی قوانین برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب، باید اذعان کرد: تحقق تمام اهداف زیست محیطی مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای، به ویژه در برنامه ششم توسعه، آخرین برنامه با دیدگاه زیست محیطی، متضمن تقویت زیرساخت‌های بنیادی، هماهنگی بین امور زیست محیطی، اراده ملی و فراهم کردن بستر مناسب جهت مشارکت عمومی، به ویژه فعالیت سازمان‌های غیردولتی است که باید در صدد ترسیم برنامه بلند مدت توسعه پایدار در کشور بود.

بخشی از مشکلات عرصه محیط زیست و منابع طبیعی، ناشی از فرسودگی قوانین است. با وجود گذشت چندین دهه از اولین قانونگذاری‌ها در حوزه محیط زیست، قوانین مناسب و پیشگیرانه برای معضلات موجود در زیست بوم وضع نشده که نتیجه آن، مشکلات امروز جامعه در مقوله‌هایی چون: ریزگردها، بحران کم آبی، گسترش بیابان‌ها و جنگل زدایی، انقراض حیوانات وحشی در معرض خطر و نابودی زیست بوم جانوران و از بین رفتن پوشش‌های گیاهی و آلودگی آبی رودخانه‌ها و دریاها است.

۳-۱-۲. روند قانونگذاری در حوزه حفاظت از اراضی ملی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۵، در مقام احیای نگرش کلان و نظام‌مند به ثروت‌های عمومی جامعه و با تأکید بر آموزه‌های فقهی مذهب امامیه، ثروت‌های عمومی و مصادیق آن را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. بررسی سابقه قانونگذاری در حوزه جرائم علیه منابع ملی حاکی از آن است که اولین قوانین و مقررات مرتبط به این حوزه، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۳۵، به طور نسبی، کلیه ابعاد محیط زیست را در بر گرفته است.

یکی دیگر از مهمترین قوانین در حوزه جرایم زیست محیطی و منابع طبیعی، قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که برای تضمین حفاظت و حمایت به برخی از ضمانت‌اجراهای حقوقی و بیش از آن به ضمانت اجرای کیفری متوسل شده است.

قوانین دیگر در زمینه واگذاری اراضی، طرح اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۷۳ است که به موجب آن، وزارت جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی) موظف شد، ظرف مدت سه سال، اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال و مراتع ملی غیر مشجر کشور را که تا پایان سال ۱۳۶۵ بدون دریافت مجوز قانونی، تبدیل به باغ یا زراعت آبی شده و یا برای طرح‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است، قبالت دریافت اجاره بها یا قیمت تعیین شده، واگذار یا به فروش برسانند. براساس پژوهش صورت گرفته در این حوزه، حدود ۴۸۹ هکتار زمین در جلگه شمالی کشور به افرادی که اراضی موصوف را تحت تصرف داشته اند، واگذار شده است (رشیدی و دیگران، ۱۴۰۲، ۴۲۱).

در آئین نامه اجرایی این قانون، سازمان جنگل‌ها موظف به دادن سند به اشخاص متصرف شده که این موضوع، سبب مدرک سازی افراد برای دریافت سند مالکیت اراضی ملی و دولتی تحت تصرف شده

است. همچنین، بسیاری از افرادی که در زمان مقرر، برای اجرای این قانون، نتوانستند برای اراضی تحت تصرف، سند دریافت کنند، هنوز هم به فکر احیای مجدد قانون یاد شده هستند که این نتایج، مورد توجه پژوهشگران دیگر نیز قرار گرفته است.

قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲، لایحه قانونی راجع به تجاوز به اموال عمومی و مردم، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مصوب ۱۳۵۸، ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۹۵، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ از مهمترین این قوانین می‌باشند. در قوانین و مقررات کشور، جنگل و مرتع به صورت تخصصی مورد قانونگذاری قرار گرفته است و موضوعات گوناگون از جمله مباحث احیاء و احداث جنگل‌ها و مراتع، بهره برداری و توسعه آن‌ها و واگذاری اراضی برای تامین نیازهای اساسی جامعه در بخش‌های کشاورزی، صنعتی، تجاری، خدماتی و سایر نیازهای جامعه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. همچنین، اجرای طرح‌های مختلف، توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در اراضی منابع طبیعی، برای مصارف گوناگون نیز مورد توجه قانونگذار بوده است.

۳-۱-۳. همپوشانی و تعارض قوانین در حوزه اراضی ملی

با مروری بر قوانین به نظر می‌رسد: به لحاظ کمیت و فراوانی تعداد قوانین و مقررات مرتبط با جنگل‌ها و مراتع در مقایسه با تعداد قوانین سایر بخش‌ها، بیش از حد متعارف باشد و در عین حال، در موضوعاتی با هم، دارای همپوشانی و تداخل هستند و ابهاماتی را به وجود می‌آورند؛ از جمله آن، همپوشانی و تداخل مرحله اول قانون اصلاحات ارضی و قوانین خالصجات، با قانون ملی شدن جنگل‌های کشور ۱۳۴۱ و قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع ۱۳۴۶ در خصوص تشخیص و تملک عرصه‌ها با عنوان اراضی بایر و موات دولتی از یک سو و تشخیص و تملک همان عرصه با عنوان اراضی ملی است. به موجب تصویب نامه دیر هنگام (۱۳۹۶/۸/۱۴) میزان مجازات‌های موضوع مواد: ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶ و ۵۰ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع، که عمدتاً مربوط به تخریب پوشش گیاهی طبیعی است، افزایش یافته است؛ ولی میزان مجازات‌های تخریب عرصه‌های جنگل و مرتع، به روز رسانی نشده‌اند و جنبه‌های بازدارندگی خود را از دست داده‌اند؛ از جمله، ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی که مجازات مقرر در ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع را کاهش داده است و از طرفی مجازات تعیین شده در این ماده قانونی، با موضوع جرم، تناسب لازم و هماهنگی لازم را وفق اصول و موازین جرم‌انگاری ندارد.

۳-۱-۴. ضعف جرم‌انگاری و ناکارآمدی ضمانت اجرای قانونی

در فرایند جرم‌انگاری این جرائم، زمین‌های ملی و دولتی یک ارزش مستقل محسوب نشده است؛ این در حالی است که تجاوز به آن، دارای علل، آثار و وخامت ویژه‌ای نسبت به اراضی خصوصی است.

علی‌رغم گذشت سالیان متمادی از قانونگذاری و ضرورت بازنگری، با توجه به نقایص موجود ایجاب می‌کند که قانونگذار این اصل اولیه را در تفکیک و جدا سازی، حسب اهمیت این نوع اراضی، در اتخاذ یک رویکرد افتراقی، وارد سازد و گونه‌های اراضی را به صورت ارزش‌هایی مستقل و منفک از هم، شناسایی، جرم‌انگاری و کیفرگذاری نماید.

مضاف بر آن، در محتوای قانون، ابهام و اجمال و فقدان جامعیت مشاهده می‌شود. ضرورت جرم‌انگاری شروع به جرم و فقدان جرم‌انگاری مستقل میان تصرف عدوانی ساده و تصرف عدوانی (زمین خواری) ناشی از سوء استفاده از قدرت، مغفول مانده است.

رویکرد مناسب نسبت به این جرائم (به طور اخص، تصرف و تجاوز غیرقانونی اراضی منابع ملی) ترکیبی از مجازات‌های مالی، حبس و مجازات‌های تکمیلی و ترمیمی است. نظام ضمانت‌اجراءهای فعلی، از تنوع لازم برخوردار نیست. این ضمانت‌اجراءها، ارزش واقعی بزه دیدگان زیست‌محیطی را نشان نمی‌دهد و این تصور در جامعه ایجاد می‌شود که جرایم مزبور لطمات جبران‌ناپذیری به منافع ملی و عمومی وارد نمی‌کند. قانونگذار، برای مرتکبین فجایع زیست‌محیطی، مجازاتی همچون مرتکبین جرایم خرد، در نظر گرفته است.

ضمانت‌اجراءهای مندرج در قوانین مربوطه، به وضوح، بر فقدان عزم جدی قانونگذار در پیشگیری و مبارزه با جرایم، به ویژه، جرایم صاحبان ثروت و قدرت علیه منابع ملی صحنه می‌گذارد. مجازات حبس با اجرای قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و قوانین و دستورالعمل‌های داخلی قوه در بسیاری از موارد، محجور مانده و بسیاری از قضات در دادگاه‌ها، به دلیل عدم آگاهی زیست‌محیطی، غالباً، در خصوص مجرمان زیست‌محیطی، از این مجازات، استفاده ننموده یا کمترین میزان حبس را در نظر می‌گیرند.

این مسأله، باعث شکل‌گیری یک نظام ضمانت‌اجرائی بسیار ضعیف گردیده است که در نتیجه، اهداف مجازات‌ها از جمله: ارباب‌آمیز بودن را برآورده نمی‌سازد و در نتیجه، موجب تجری مرتکبین این نوع جرایم می‌شود. ضمانت‌اجراءهای قانونی اینچنینی، با وسعت آسیب‌های وارده، تناسب ندارد و منفعت بهره‌برداری و استثمار منابع ملی، بالاخص برای اشخاص حقوقی، بیش از معایب کیفر است. در حالی که سیاستگذاران کیفری، نخست، می‌بایست جرائم مختلف و نیز ویژگی‌های غالب مرتکبین این جرائم را بازشناخته و آن‌گاه، مبادرت به تعیین ضمانت‌اجرای مناسب برای آن‌ها کنند (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۴).

۳-۱-۵. غفلت از مسئولیت کیفری دولت و نهادهای عمومی

نکته مهم دیگر در عدم حساسیت افکار عمومی نسبت به بزهکاری در این حوزه، جرم‌انگاری ناقص رفتارهای آسیب‌رسان صاحبان ثروت قدرت است. با مطالعه و تدقیق در عملکرد تمامی دولت‌ها در این

عرصه، هویداست که به رغم تمام تفاوت‌ها و تعارضات در سطح داخلی و بین‌المللی، در زمینه حفاظت از محیط زیست و منابع ملی، سیاستی مشابه را در پیش گرفته‌اند که همان نگاه کالا محور و رویکردی ابزارگرایانه به منابع ملی است. با امعان نظر به در اختیار داشتن قدرت قانونگذاری و اجرایی دولت‌ها، این پرسش اساسی به ذهن متبادر می‌شود که چگونه می‌توان انتظار داشت دولت‌ها، دست به جرم‌انگاری و مجازات رفتارهایی بزنند که خود مرتکب می‌شوند و یا منافع مورد پسندشان را تأمین می‌کند (زاهدیان و دیگران، ۱۴۰۰، ۱۵۸).

دولت‌ها با احساس مسرت از تولیدات صنعتی و پیشرفت اقتصادی، معمولاً، تمایلی به صیانت و حراست از منابع ملی ندارند. با درک این واقعیت که در تعارض میان پاسداری از محیط زیست و کسب منافع اقتصادی بیشتر، دولت‌ها، غالباً، مورد دوم را بر می‌گزینند، نیازمند اصلاحات گسترده در رفتار دولت‌ها است؛ چه اینکه قانونگذار ایرانی، آسیب‌ها علیه منابع ملی را جزیی از بایسته‌های زندگی مدرن پذیرفته و گویی نتوانسته است، تعادل را میان توسعه و حمایت از منابع ملی برقرار کند؛ تا جایی که حتی با پیش بینی ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پس از شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در تبصره ماده مذکور، فعالیت‌های اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی را مادامی که اعمال حاکمیت کنند، از این ماده مستثنی نموده است.

بنابر این، رویکرد صحیح در قانونگذاری، این است که هرگونه فعالیت‌های مخرب دولت‌ها در عرصه‌های تولیدی و صنعتی، باید شناسایی شده و مسئولیتی متناسب با میزان خسارت و ضرر زیست محیطی برای آن، در نظر گرفته شود. اگر چه اعمال بعضی ضمانت‌اجراءها مانند: انحلال و یا مصادره اموال، معارض با ماهیت اشخاص حقوقی دولتی است؛ اما اعمال گونه‌هایی از ضمانت‌اجراءها، مانند: انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها، می‌تواند جلوه‌ای از مسئولیت دولت، قبال مخاطرات زیست محیطی باشد (پوربافرانی، ۱۳۹۵، ۳۹۴).

در جرم‌شناسی، این رفتار دولت‌ها، تحت عنوان: جرم دولتی، شناسایی شده است؛ لکن در عرصه زیست محیطی، به جهت در دست داشتن قدرت قانونگذاری و نیاز دولت‌ها به ادامه فعالیت‌های بنگاه‌های قدرتمند اقتصادی، موجب مسکوت ماندن و نوعی مصونیت کیفری نسبت به آسیب‌های ناشی از رفتار دولت‌ها شده است (زاهدیان و دیگران، ۱۴۰۰، ۱۶۱).

فقدان نظام حقوقی مصمم در مقابله با جرائم زیست محیطی صاحبان قدرت و ثروت، این اندیشه را برای افکار عمومی ایجاد می‌کند که اعمال حاکمیت‌ها و شرکت‌های قدرتمند و صاحب نفوذ که در چهار چوب قوانین جاری فعالیت می‌کنند، منافاتی با حق استفاده آنان از منابع ملی ندارد. این ناآگاهی افکار عمومی، حاشیه امنی برای بزهکاران زیست محیطی ایجاد می‌نماید؛ بنابر این، توجه به رویکردهای ابزارگرایانه در قلمروی عدالت کیفری، نشان می‌دهد که تقید صرف به اصل قانونمندی، موجب مباح

تلقی شدن رفتارهای ناشایست دولت‌ها و شرکت‌ها در عرصه محیط زیست می‌شود؛ امری که با سیاست‌های دانش بنیان در عرصه عدالت کیفری منافات دارد.

۲-۳. ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی در حمایت از اراضی ملی

وضع یک قانون مناسب، مستلزم اجرای شایسته و مؤثر آن است. نظام قضایی، یکی از ارکان اصلی سیاست جنایی، نقش مهمی در پیگیری جرائم مرتبط با اراضی ملی، اطلاع رسانی عمومی و حساس‌سازی افکار عمومی نسبت به تخلفات زیست محیطی دارد. در صورتی که این نظام، به درستی عمل نکند، عادی‌سازی جرائم زیست محیطی و تداوم روند تخریب اراضی ملی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۱-۲-۳. ضعف ساختاری در رسیدگی به جرائم زیست محیطی

یکی از مشکلات عمده در این حوزه، رسیدگی به جرائم زیست محیطی از طریق مجاری سنتی و غیرتخصصی است. سیستم قضایی کشور هیچ تدارک ویژه‌ای برای رسیدگی کارآمد به این جرائم پیش‌بینی نکرده است و در نتیجه، موضوع رسیدگی خارج از نوبت، به دلیل تراکم پرونده‌های ورودی، عملاً، ناکارآمد شده است.

هرچند قانونگذار، رسیدگی به این جرائم را صرفاً، در صلاحیت مراجع قضایی قرار داده است، اما اقدامات فرا قضایی نیز در این زمینه انجام شده است. تشکیل شورای حفظ حقوق بیت المال، به منظور ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اداری، یکی از این اقدامات محسوب می‌شود. همچنین، در سال‌های اخیر، نظام قضایی اقدام به ایجاد ساختارهای کیفری ویژه، مانند: شعب تخصصی رسیدگی، دادسرای ویژه زمین‌خواری و صدور بخشنامه‌های خاص کرده است.

۲-۲-۳. مسئولیت دادستان‌ها در حمایت از اراضی ملی

مطابق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در راستای اصل ۵۰ قانون اساسی، مسئولیت حفظ حقوق عامه و تعقیب جرائم واجد جنبه عمومی، بر عهده دادستان است. همچنین، عضویت دادستان‌ها در ستادهای مختلف از جمله: ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم خاص، شورای عالی پیشگیری از جرم و شورای حفظ حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی، نشان دهنده نقش بارز آنان در پیشگیری از جرائم زیست محیطی است.

در همین راستا، دادستان‌ها می‌توانند از راهبردهای پیشگیرانه وضعی مانند: استفاده از دیده‌بان‌های پیشگیری از وقوع جرم، ایجاد یگان‌های ویژه مراقبت از محیط زیست، استفاده از سامانه‌های برخط نظارت مردمی، مانند: سجام، ایجاد سامانه‌های تلفنی نظارتی، مانند: شماره ۱۵۰۴، راه‌اندازی گشت‌های مراقبتی، توسعه فرهنگ سازی از طریق نصب تابلوهای هشدار دهنده و انتشار دفترچه‌های راهنمای آموزشی، نقش مؤثری در پیشگیری از جرائم زیست محیطی ایفا کنند. همچنین، معاونت‌های پیشگیری

از وقوع جرم استان‌ها، بازوان اجرایی دادستان‌ها، موظف به رصد فعالیت‌های مشکوک زیست محیطی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه هستند.

۳-۲-۳. ناکارآمدی در برخورد با جرائم کلان علیه اراضی ملی

با وجود تمامی تدابیر، شمار بالای جرائم علیه اراضی ملی این پرسش را ایجاد می‌کند که چگونه پروژه‌های کلان تهدید کننده این منابع، از دید مقامات قضایی پنهان می‌مانند؟ چرا دادستان‌ها که مدعی العموم هستند، اقدامات کافی برای حفاظت از منافع عمومی انجام نمی‌دهند؟

تحقیقات نشان می‌دهد: جرائم کلان علیه اراضی ملی را عمدتاً، اقلیتی ذی‌نفوذ از کنشگران اقتصادی مرتکب می‌شوند. این افراد، به دلیل نفوذ بالای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از ارتکاب جرم ابایی ندارند و در بسیاری از موارد، رفتار نظام تعقیب کیفری با آن‌ها متفاوت است. این وضعیت یادآور پدیده تسخیر نهادی است که طی آن، نهادهای قضایی، به واسطه وابستگی به قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، از ایفای نقش خود در تعقیب جرائم زیست محیطی بازمی‌مانند (دانش ناری، ۱۳۹۲، ۵۴).

تسخیر نهادی، در کنار رویه‌های غیر رسمی نظام عدالت کیفری در مواجهه با جرائم دولتی، باعث می‌شود که بسیاری از جرائم علیه منابع ملی هرگز وارد چرخه عدالت کیفری نشوند. در این شرایط، شدیدترین واکنش قضایی به این جرائم، اغلب در حد اخطار، تذکر و هشدارهای انضباطی باقی می‌ماند (دانش ناری، ۱۳۹۲، ۷۸).

این وضعیت، یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری، یعنی: بی‌کیفر نماندن بزهکاران را نقض می‌کند. نتیجه، این برخورد دوگانه با مرتکبان جرائم زیست محیطی آن است که پرونده‌های کیفری در این حوزه، عمدتاً، به بزهکاران خرد اختصاص دارد، در حالی که پروژه‌های کلان از مجازات مصون می‌مانند.

۳-۲-۴. ضعف تناسب میان جرم و مجازات

بررسی آرای صادره در پرونده‌های مرتبط با اراضی ملی نشان می‌دهد: رابطه معناداری بین شدت جرم و میزان مجازات صادره وجود ندارد. در بسیاری از موارد، محاکم از حداقل مجازات‌های ممکن استفاده می‌کنند. این امر، به ویژه در مورد بزهکاران یقه سفید و شرکت‌های حقوقی، فاقد اثر بازدارندگی است (صیفی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

تحمیل ضمانت اجراءهای خفیف، مانند: جریمه نقدی و حبس‌های کوتاه مدت، بدون در نظر گرفتن منافع اقتصادی حاصل از جرم، عملاً، موجب می‌شود: ارتکاب جرم، سودآورتر از پرهیز از آن باشد. بسیاری از مقامات قضایی نیز با این رویکرد رشد کرده‌اند و از آنجا که اهمیت این جرائم در نگاه قانونگذار، اندک تلقی شده است، تعقیب مرتکبان را جدی نمی‌گیرند و به مجازات‌های حداقلی بسنده می‌کنند.

۳-۲-۵. ضرورت اصلاح نظام تعیین مجازات

تدوین اصول راهنمای تعیین مجازات، مشابه آنچه در ماده ۳ قانون شکار و صید، پیش‌بینی شده است، می‌تواند گام مؤثری در بهبود عملکرد نظام عدالت کیفری در پیشگیری از این جرائم باشد. مطابق این قانون، برای هر گونه جانوری، ارزش اقتصادی و زیست محیطی مشخصی تعیین شده است که براساس آن، میزان خسارت و جریمه تعیین می‌شود. این مدل ارزش‌گذاری، می‌تواند مبنای تعیین مجازات‌های متناسب برای انواع اراضی ملی و منابع طبیعی قرار گیرد. متأسفانه، در حال حاضر، رویکرد یکسان محاکم نسبت به تخلفات زیست محیطی، بدون در نظر گرفتن ارزش متفاوت منابع ملی، باعث کاهش بازدارندگی مجازات‌ها شده است. به همین دلیل، لازم است که سیاست‌گذاری کیفری، متناسب با ارزش زیست محیطی هر منطقه، به تعیین مجازات‌های مؤثر و بازدارنده پردازد.

ناکامی سیاست جنایی قضایی در حمایت از اراضی ملی، ناشی از ضعف در ساختارهای رسیدگی، عدم تناسب میان جرم و مجازات، نفوذ قدرت‌های اقتصادی، و نبود یک نظام شفاف و منسجم در تعقیب و مجازات بزهکاران یقه سفید است. برای اصلاح این وضعیت، لازم است که نظام عدالت کیفری از مجازات‌های حداقلی فاصله گرفته، ساختارهای نظارتی خود را تقویت کند و با اتخاذ رویکردهای تخصصی، از تخریب منابع ملی جلوگیری نماید.

۳-۳. ضعف سیاست جنایی اجرایی در کاهش جرائم علیه اراضی ملی

نظام اجرایی، یکی از مهمترین ساختارهایی است که می‌تواند در کاهش یا افزایش فرصت‌های مجرمانه در حوزه جرائم علیه منابع ملی نقش داشته باشد. روش‌های محافظت فیزیکی، نظارت و حفاظت ثبتی از اراضی منابع ملی، با دقت، سرعت و رویکرد علمی کافی انجام نمی‌شود. این نارسایی، از یک سو ناشی از سهل‌انگاری محافظان جنگل و محیط‌بانان و از سوی دیگر، نتیجه ناکارآمدی ساختارهای اجرایی موجود است.

نارسایی‌های موجود در نظام اجرایی، ضعف هماهنگی بین نهادهای مسئول، مشکلات در فرآیند واگذاری اراضی ملی و فقدان برخی ساز و کارهای نظارتی و اجرایی مناسب، موجب شده است که جرائم علیه اراضی ملی، به طور مؤثر کاهش نیابند. برای حل این مشکلات، اجرای طرح کاداستر، اصلاح فرآیندهای ثبتی، افزایش نظارت و هماهنگی بین نهادهای مختلف، و استفاده از تدابیر پیشگیری اجتماعی و وضعی از جمله اقدامات ضروری است.

۳-۳-۱. ضعف نظارت در فرآیند واگذاری اراضی ملی

یکی از چالش‌های اساسی، واگذاری غیرقانونی اراضی ملی است که در بسیاری از موارد بدون توجه به ممنوعیت‌های مندرج در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاحی لایحه واگذاری و احیای اراضی

انجام می‌شود. گاهی اوقات این واگذاری‌ها بدون احراز شرایط متقاضی و نظارت بر اجرای طرح‌ها صورت می‌گیرد.

قوانین مرتبط با واگذاری اراضی جنگلی و مرتعی، بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱، بیشترین تعداد مصوبات را داشته است و مشخص می‌شود: توجه عمده قانون‌گذار به واگذاری اراضی جنگلی و مراتع برای توسعه و تغییر کاربری معطوف بوده است.

مروری بر قوانین دیگر بخش‌ها نشان می‌دهد: احکام ویژه جنگل‌ها و مراتع دستخوش اقدامات موازی شده است و گاهی اوقات مقررات مناطق ملی شده، نقض می‌شود؛ برای مثال، در موضوع مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، قانون که مراتع ملی شده یا مستثنیات قانونی را اراضی موات در نظر می‌گیرد، مواردی از نقض این قوانین مشاهده می‌شود. قانون زمین شهری و آیین‌نامه اجرایی آن که با تشخیص مجدد، اراضی ملی شده را اراضی موات، اعلام می‌کند و موجب خروج اراضی ملی از انفال و امکان تصرف این اراضی می‌شود، نمونه‌ای از این نقض‌ها است (رودگرمی و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۶۶). به دلیل نبود سامانه‌های شفاف اطلاعاتی، بسیاری از واگذاری‌های اراضی و تغییر کاربری‌ها بدون نظارت کافی انجام می‌شود.

۳-۲-۳. ناهماهنگی بین نهادهای اجرایی متولی

یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت اراضی ملی، عدم هماهنگی میان نهادهای اجرایی متولی این حوزه است. این ناهماهنگی باعث کاهش اثربخشی سیاست‌های حفاظتی، افزایش تخلفات و جرائم مرتبط با زمین‌خواری و هدر رفت منابع طبیعی می‌شود. در واقع، مدیریت کارآمد اراضی ملی تنها زمانی امکان‌پذیر است که تمامی نهادهای اجرایی اقدامات خود را با متولیان اصلی، یعنی اداره منابع طبیعی و اداره راه و شهرسازی، هماهنگ نمایند.

پیامدهای این ناهماهنگی منجر به افزایش زمین‌خواری و تصرفات غیرقانونی، اختلافات حقوقی میان نهادها و شهروندان و افزایش دعاوی حقوقی مرتبط با اراضی ملی، کاهش بهره‌وری در مدیریت منابع طبیعی و هدر رفت منابع مالی و انسانی می‌گردد.

برای رفع این مشکلات و بهبود هماهنگی میان نهادهای متولی اراضی ملی، ایجاد یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده، مانند: تأسیس یک شورای عالی هماهنگی مدیریت اراضی ملی، با حضور نمایندگان تمامی نهادهای متولی، می‌تواند به تصمیم‌گیری یکپارچه و کاهش اختلافات کمک کند.

همچنین، راه اندازی سامانه ملی اطلاعات اراضی ملی، که تمامی نهادهای مرتبط بتوانند در آن اطلاعات خود را ثبت و به روز کنند، می‌تواند از تداخلات جلوگیری کند.

۳-۳-۳. ضعف در نظام ثبتی و تعاملات غیرقانونی

نظام ثبتی، نهادی است که می‌تواند اقدامات مؤثری در پیشگیری از تصرف و تجاوز به اراضی منابع ملی انجام دهد، در عمل، با مشکلات زیادی مواجه است. طبق قانون، ادارات ثبت باید با هماهنگی کامل با ادارات منابع طبیعی نسبت به صدور سریع سند به نام دولت اقدام کنند؛ با این حال، گاهی ناهماهنگی‌ها و برخی از روندهای اشتباه ثبتی، به همراه همکاری برخی از کارمندان و مسئولان ادارات ثبت با مرتکبان جرائم، مشکلاتی را ایجاد کرده است.

برای پیشگیری از جرائم ثبتی در این حوزه، می‌توان با حرکت به سمت ثبت نوین و الکترونیکی کردن فرآیند ثبت، راه اندازی سامانه‌های آنلاین برای رهگیری وضعیت اراضی ملی، به کاهش مواجهه حضوری افراد و در نتیجه، کاهش احتمال بروز جرائم ثبتی کمک کرد؛ البته تا رسیدن به این آرمان، باید با افزایش ساز و کارهای نظارتی داخلی و خارجی، بهبود وضعیت حقوق و مزایای کارکنان اداره ثبت، اجرای برنامه‌های آموزشی و اخلاقی برای کارکنان، راه اندازی سامانه گزارش‌دهی عمومی تخلفات ثبتی توسط شهروندان و سازمانهای مردم نهاد و انتشار گزارش‌های عمومی درباره نحوه واگذاری و تغییر مالکیت اراضی ملی، شفاف سازی میزان ارتکاب جرائم ثبتی در حوزه اراضی ملی، تلاش‌های مؤثری در جهت کاهش این جرائم انجام شود.

۳-۳-۴. اهمیت اجرای طرح حد نگار (کاداستر)

یکی از مهمترین راهکارها برای حل مشکلات مربوط به اراضی منابع ملی، اجرای طرح حد نگار (کاداستر) است. هدف از این طرح، تعیین محدودیت‌های مالکیتی و حقوقی اراضی و در دسترس قرار دادن اطلاعات حدودی و حقوقی آنها است که می‌تواند دلیل محکم‌تری برای حفاظت از اراضی ملی باشد. با اجرای این طرح، نه تنها نمی‌توان سند معارض برای این اراضی صادر کرد، بلکه تصرف آنها نیز غیر ممکن می‌شود؛ بنابراین، تأمین منابع مالی برای اجرای قانون حد نگاری (کاداستر)، از الزامات اصلی در پیشگیری از تصرفات غیرقانونی است.

۳-۳-۵. فقدان سند آمایش سرزمین

یکی دیگر از مسائل مهم در این زمینه، فقدان سند آمایش سرزمین است. سابقه آمایش سرزمین در کشور بیش از شش دهه است و طی این مدت، این مفهوم تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با تغییرات بسیاری رو به رو بوده است.

کلودیس، در سال ۱۳۵۰ نخستین تعریف از آمایش سرزمین را ارائه کرد که در آن آمده است: آمایش سرزمین در جست و جوی بهترین توزیع انسان‌ها، منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی در پهنه سرزمین است؛ به طوری که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود، از طیف مناسبی از فعالیت‌های

اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند شود و جمعیتی متناسب با ظرفیت اقتصادی خود را بپذیرد (اسماعیلی و نبی‌پور، ۱۴۰۰، ۳۸۵).

۳-۴. موانع سیاست جنایی مشارکتی در مدیریت حفاظت از اراضی منابع ملی

اصل مشارکت، یکی از مهمترین اصول حقوق محیط زیست، در سطح ملی و بین‌المللی، مورد توجه قرار گرفته است. در مواجهه با آسیب‌ها و جرائم زیست محیطی، سیاست جنایی مشارکتی، رویکردی اساسی محسوب می‌شود؛ زیرا تنها از طریق درگیر کردن جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر ذی‌نفعان می‌توان به حفاظت مؤثر از منابع ملی دست یافت؛ با این حال، تحقق مشارکت در این حوزه با موانع و چالش‌های متعددی رو به رو است که در صورت برطرف نشدن، آن را به سطحی نمایشی و غیرمؤثر تقلیل خواهد داد.

۳-۴-۱. خلأهای حقوقی و ضعف ضمانت اجراءها

یکی از موانع اصلی در اجرای سیاست جنایی مشارکتی در مدیریت اراضی ملی، ضعف قوانین جرم‌انگاری، ناکارآمدی ضمانت اجراءها و نبود مقررات حمایتی کافی است. در بسیاری از موارد، قوانین موجود، برابر تخریب اراضی ملی یا فاقد ضمانت اجرای بازدارنده هستند، یا با ابهامات تفسیری همراه هستند که مانع از اجرای مؤثر آنها می‌شود.

همچنین، عدم حمایت قانونی از مشارکت کنندگان، به ویژه شهروندانی که در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه، فعالیت می‌کنند، مانع از ایفای نقش مؤثر آنان شده است.

۳-۴-۲. محدودیت‌های حقوق شکلی و فقدان دسترسی عمومی به عدالت

مشارکت مؤثر مستلزم دسترسی آسان شهروندان به ساز و کارهای عدالت کیفری و اداری است. با این حال، پیچیدگی فرآیندهای قضایی، محدودیت‌های آیین دادرسی کیفری و عدم شفافیت در رویه‌های قانونی، موانع جدی در مسیر مشارکت عمومی ایجاد کرده است. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران که به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه طرح دعوا در جرائم زیست محیطی را می‌دهد، گامی مثبت محسوب می‌شود؛ اما به دلیل محدودیت‌های اجرایی و تفسیری، به تنهایی کافی نیست.

۳-۴-۳. چالش‌های ناشی از نقش‌آفرینی صاحبان قدرت و صنایع بزرگ

در بسیاری از موارد، مرتکبان اصلی جرائم علیه اراضی ملی، نهادهای دولتی، شرکت‌های بزرگ، و صاحبان صنایع پرنفوذ هستند. این گروه‌ها، با تکیه بر منابع مالی و نفوذ سیاسی، از پیگیری‌های قضایی مصون می‌مانند و حتی از ابزارهای قانونی برای سرکوب مشارکت عمومی استفاده می‌کنند.

یکی از نمونه‌های این سرکوب، دعاوی راهبردی علیه مشارکت کنندگان (SLAPP) است که در آن، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان محیط زیست با شکایت‌های قضایی سنگین مواجه می‌شوند تا از ادامه

فعالیت‌های خود منصرف شوند. در چنین شرایطی، بدون حمایت‌های قانونی ویژه، مشارکت کنندگان، احساس امنیت نکرده و از ایفای نقش خود عقب نشینی خواهند کرد.

۳-۴-۴. نبود سیاست‌های حمایتی برای مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان در حفاظت از اراضی ملی باید از حمایت‌های قانونی، مالی و تخصصی برخوردار باشند. در بسیاری از کشورها، سازمان‌های مردم نهاد و فعالان محیط زیست از حمایت‌های دولتی، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های قانونی برخوردارند تا بتوانند نقش مؤثرتری در نظارت بر تخریب محیط‌زیست ایفا کنند. در ایران، این نوع حمایت‌ها به طور ساختاری در قوانین پیش‌بینی نشده و یا در اجراء با موانع متعدد مواجه است.

بدون تضمین حمایت‌های قانونی، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی، انگیزه‌ای برای مشارکت فعال در این حوزه نخواهند داشت؛ بر این اساس، لازم است تا مشارکت کنندگان از حمایت‌های قانونی، مقابل مرتکبان دارای قدرت برخوردار باشند. تدوین این نوع مقررات حمایتی، لازمه‌ای غیر قابل انکار است که امروزه در جهت حرکت به سمت رویه‌های مشارکتی مورد توجه قرار گرفته است (علی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۰۷).

۳-۴-۵. ضعف فرهنگ‌سازی و آگاهی عمومی

یکی دیگر از موانع اساسی در اجرای سیاست جنایی مشارکتی، نبود فرهنگ‌سازی و آگاهی عمومی کافی درباره اهمیت حفاظت از اراضی ملی است. در بسیاری از موارد، شهروندان، از حقوق خود در زمینه مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی آگاه نیستند یا به دلیل نبود آموزش‌های کافی، از تأثیر اقدامات خود بر حفظ محیط زیست بی‌اطلاع هستند. نقش رسانه‌ها، نظام آموزشی و سیاست‌های فرهنگی در ارتقای این آگاهی، بسیار حائز اهمیت است.

به هر تقدیر، مشارکت عمومی در سیاست جنایی حفاظت از اراضی ملی، بدون ایجاد زیرساخت‌های حقوقی، حمایتی و فرهنگی، تحقق نخواهد یافت. تنها، از طریق اصلاح قوانین، افزایش ضمانت اجراءها و فراهم کردن بسترهای حمایتی برای مشارکت کنندگان، می‌توان به سیاست جنایی مشارکتی مؤثر و پایدار دست یافت.

نتیجه‌گیری

از منظر جرم‌شناسی سبز، میزان کارآمدی در کنترل رفتارهای ناپایدار زیست محیطی، ارتباط مستقیمی با سیاست جنایی اتخاذ شده توسط ارکان حاکمیت دارد. ارتکاب جرائم زیست محیطی از سوی دولت‌ها باعث شده است که ملاحظات سیاسی بر ارزیابی‌های فنی و نتایج علمی اولویت یابد. اتخاذ رویکردی ابزارگرایانه در سیاست جنایی قانونی، قضایی و اجرایی و دخالت عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آن، به جای کاهش آسیب‌های زیست محیطی، منجر به تخریب تصاعدی محیط زیست شده است.

در این راستا، ضروری است: دولت‌ها از مصونیت کیفری قبال آسیب‌هایی که به محیط زیست وارد می‌کنند، خارج شوند و مسئولیت آن‌ها به تناسب میزان خسارت و ضرر زیست محیطی، به صورت شفاف مشخص گردد. مسکوت ماندن این آسیب‌ها و محفوظ ماندن دولت‌ها از تعقیب کیفری، از جمله معضلات و خلأهای حقوقی در راستای حفظ سلامت محیط زیست و پایداری جغرافیای طبیعی است. بر این اساس، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه سیاست جنایی ایران در حمایت از اراضی ملی مبتنی بر الگوی اقتدارگرایانه، محدودیت دسترسی به اطلاعات، تمرکز بر نظام حقوق اداری و استفاده حداقلی از حقوق کیفری است، تأیید می‌شود.

همچنین، مقابله مؤثر با جرائم زیست محیطی نیازمند نظارت گسترده قوه قضاییه است. در این راستا، دادستان‌ها باید در برخورد با جرائم زیست محیطی، از اعمال ملاحظاتی که به نام توسعه از پیگیری قانونی این جرائم جلوگیری می‌کند، خودداری کنند. از موازی کاری میان نهادهای مسئول پیشگیری از جرائم علیه اراضی ملی در قوه قضاییه و قوه مجریه پرهیز شود.

دادسراها و دادگاه‌های ویژه جرائم زیست محیطی ایجاد گردد و مقامی مستقل، همچون: دادیار ویژه رسیدگی و دادیار حوزه پیشگیری منصوب شود؛ مشابه آنچه در کشورهای پیشرو اجراء می‌شود. قوه قضاییه که بازوی اجرایی قانونگذار است، باید نقشی فعال‌تر در مجازات بزهکاران کلان زیست محیطی ایفا کند. این بزهکاران اغلب به ساختارهای نامشروع قدرت دسترسی دارند که می‌تواند امنیت مادی و روانی دادستان‌ها و قضات را تهدید کند. در نتیجه، اتخاذ آیین دادرسی افتراقی در تمامی مراحل رسیدگی به این جرائم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در نهایت، سیاست جنایی قضایی مطلوب قبال اراضی ملی، مبتنی بر سیاست کیفری سختگیرانه، نظام تخصصی کشف جرم و دادرسی و رویکرد بازدارندگی حداکثری است.

همچنین، مبارزه با جرائم زیست محیطی ناشی از رفتارهای روزمره شهروندان یا عوامل اقتصادی، مستلزم آگاهی بخشی عمومی و پوشش رسانه‌ای گسترده است. در این راستا، تغییر فرهنگ رسانه‌ای در

نحوه بازنمایی جرائم زیست محیطی، استفاده از نظریه‌های جرم‌شناسی رسانه‌ای و کاهش سلطه دولت بر رسانه‌ها ضروری است.

تقویت سواد رسانه‌ای شهروندان نقش مؤثری در حساس‌سازی افکار عمومی و افزایش مطالبه‌گری جمعی، برای مقابله با تخریب محیط زیست دارد.

حمایت و تشویق سازمان‌های مردم‌نهاد برای ایفای نقش فعال در فرآیند دادرسی کیفری، به ویژه از طریق اصلاح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و افزایش اختیارات آن‌ها، اقدامی مؤثر در پیشگیری از این جرائم است.

بنابر این، سیاست جنایی مشارکتی مطلوب قبال اراضی ملی، مبتنی بر افزایش مداخله جامعه مدنی، گسترش اختیارات حقوقی و قضایی سازمان‌های مردم‌نهاد، و تقویت ساختار حقوق اداری اراضی ملی است.

از سوی دیگر، سیاست جنایی پیشگیرانه مطلوب در این حوزه، متکی بر تقویت حداکثری پیشگیری وضعی از تجاوز و تخریب، توسعه ابزارهای غیرکیفری برای حفاظت از اراضی ملی و محیط زیست و فرهنگ‌سازی زیست محیطی است.

در نهایت، سیاست جنایی حمایتی مطلوب قبال اراضی ملی بر رویکرد عدالت ترمیمی، بزه دیده‌شناسی سبز، اصول جبران خسارت، و راهبردهای جریمه مدنی بر اساس نیابت اجتماعی و بیمه‌های زیست محیطی تأکید دارد.

علاوه بر این، اصول حقوق بین‌الملل می‌توانند نقش مهمی در ارتقای سیاستگذاری جنایی ایران در حمایت از اراضی ملی ایفا کنند. هرچند بسیاری از این اصول در حال حاضر در سطح حقوق نرم، قرار دارند؛ اما توسعه مطالعات و گسترش مباحث علمی می‌تواند آن‌ها را به عرف بین‌المللی یا اصول قطعی حقوق بین‌الملل تبدیل کند. در این صورت، مطابق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، این اصول می‌توانند در قالب حقوق سخت، الزام آور شوند.

کتابشناسی

۱. اسماعیلی، حسن؛ نبی پور، محمد، (۱۴۰۰)، بررسی بزه علیه جنگل‌ها و مراتع در راستای آمایش سرزمین و حفظ جنگلها برای زندگی، متاثر از سیاستگذاری در حیطه منابع طبیعی در پرتو جرم شناسی سبز (نمونه موردی: استان مازندران)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، زمستان، شماره: ۱، ۳۸۱-۳۵۵.
۲. پوربافرانی، حسن؛ همتی، مرضیه، (۱۳۹۵)، نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی، فصلنامه مجلس و راهبرد، پاییز، شماره: ۸۷، ۳۴۹-۳۷۳.
۳. جوان جعفری، عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی؛ زهرا ساداتی، سید محمدجواد، (۱۳۹۵)، بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر، پژوهشنامه حقوق کیفری، پاییز، شماره: ۷ (۲)، ۵۹-۷۸.
۴. دانش ناری، حمید رضا، (۱۳۹۲)، رویکردی انتقادی به جرائم زیست محیطی فرامرزی، مطالعات بین المللی پلیس، پاییز، شماره: ۱۵، ۶۵-۸۳.
۵. رشیدی، علی؛ آقایی بجستانی، مریم؛ روحانی مقدم، محمد، (۱۴۰۲)، تأملی در جرم شناسی سبز؛ داشته‌ها و بایسته‌ها، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۵، زمستان، شماره: ۳۳، ۴۴۶-۴۱۱.
۶. رودگرمی، پژمان؛ عموزاده مهدیرجی، محمد تقی، (۱۳۹۷)، بررسی قوانین و مقررات کشوری مرتبط با جنگل‌ها و مراتع، نشریه علمی ترویجی مدیریت اراضی، شماره: ۶ (۲)، ۱۵۳-۱۶۷.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد؛ دانش ناری، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، جرم شناسی انتقادی معاصر، تهران، انتشارات دادگستر.
۸. رضا پور پرشکوهی، معصومه؛ نیکومنش، امرالله؛ سماواتی، عباس، (۱۴۰۱)، سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در موارد تهدید امنیت قضایی با توجه به جرم شناسی سبز، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره دوم، زمستان، شماره: ۵ (۲)، ۵۴۸-۵۶۳.
۹. زاهدیان تجنکی، محمد حسین؛ شامبیاتی، هوشنگ؛ نجفی توانا، علی، (۱۴۰۰)، کالا سازی محیط زیست، جرم پنهان دولت‌ها، فصلنامه انسان و محیط زیست، تابستان، شماره: ۵۷، ۱۵۵-۱۶۸.
۱۰. شاملو، باقر؛ احمدی، اصغر؛ خسرو شاهی، قدرت الله، (۱۳۹۶)، بزه دیده شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، پاییز، شماره: ۲۰، ۳۷-۶۷.
۱۱. صیفی، محمد؛ جوان جعفری، عبدالرضا؛ فرهادی، زهرا، (۱۳۹۸)، سندرم بزه دیدگی زیست محیطی: پاسخی به چرایی ارتکاب رفتارهای آسیب رسان به منابع آب زیر زمینی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دهم، پاییز و زمستان، شماره پیاپی: ۲۰، ۱۶۴-۱۳۷.
۱۲. علی نژاد، علی؛ عباسی، اصغر؛ اسماعیلی، مهدی؛ نبی پور، محمد، (۱۴۰۱)، سیاست جنایی ایران در برابر جرائم علیه منابع ملی زیست محیطی، ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، زمستان، شماره: ۱۲، ۳۰۹-۳۰۳.
۱۳. عباچی، مریم، (۱۳۹۲)، جرم شناسی سبز، دایرة المعارف علوم جنایی، علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان.
۱۴. عبداللهی، محسن، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها، تهران، معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضائیه.
۱۵. عبداللهی، محسن، (۱۳۸۶)، حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی، علوم محیطی، سال پنجم، پاییز، شماره: ۱، ۹۷-۱۱۷.

۱۶. غلامپور، علی، (۱۳۸۶)، تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر نقش دولت در اقتصاد سیاسی محیط زیست در کشورهای در حال توسعه: مورد مطالعه ایران، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان، شماره: ۴ (۳۷)، ۸۹-۱۲۲.
۱۷. گرجی فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، جرم شناسی سبز، تهران: انتشارات میزان.
۱۸. لازرژ، کریستین، (۱۳۸۱)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، اول.
۱۹. وایت، راب، (۱۳۹۵)، جرایم زیست محیطی فراملی: به سوی جرم شناسی جهان بوم، ترجمه: حمید رضا دانش ناری، تهران، نشر روناس.

